گوشه ای از شخصیت
صدیقه کبری
بانوی بزرگ اسلام

رضا یوسفی


بسم الله الرحمن الرحیم

گوشه ای از شخصیت صدیقه کبری (سلام الله علیها) بانوی بزرگ اسلام

نویسنده:

رضا یوسفی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گوشه ای از شخصیت صدیقه کبری بانوی بزرگ اسلام

مشخصات کتاب

نویسنده : رضا یوسفی

ناشر : رضا یوسفی

مقدمه

حضرت فاطمه سلام الله علیها مظلومه زمان خویش و همه سده ها و قرن هایی است که تاکنون بر عالم اسلام گذشته است. این مرکز و قطب اهل بیت در سخنان پیامبر (ص) و نیز رفتارهای آن حضرت با وی به خوبی معرفی شده است؛ به طوری که در جوامع روایی شیعه و سنی، بازتاب برجسته و گسترده ای دارد و همه محدثان و فقیهان به این سخنان و رفتارهای پیامبر (ص) در معرفی دختر بزرگوارش به دیده اعجاب نگریسته اند.

در این مقاله، گوشه ای از شخصیت صدیقه کبری (س) را در آیینه گفتار و کردار نبوی (ص) در چهار قسمت می نگریم:

۱) رضا و غضب فاطمه (س)

۲) مقام فاطمه زهرا (س) در روز مباهله

۳) مقام فاطمه زهرا (س) در روز قیامت

۴) مظلومیت علی (ع) در شهادت فاطمه (س).

تکیه ما در این نوشتار، بر مجامع روایی و تفسیری اهل سنت است، چرا که:

خوش تر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

رضا و غضب فاطمه

اشاره

محدثان و فقیهان بزرگ اهل سنت از پیامبر (ص) نقل کرده اند که فرمود: «فاطمه بضعه منی من اغضبها فقد اغضبنی؛ فاطمه پاره تن من است هر کس او را غضبناک کند مرا به خشم آورده است .

این روایت دو جنبه دارد: سند و محتوی (جنبه دلیلی و مدلولی) در این جا به این دو جنبه اشاره ای می کنیم:

سند روایت

این روایت از نظر سند، صحیح اعلایی است؛ یعنی هیچ مناقشه ای در آن نیست.

«ذهبی یکی از منتقدان بزرگ، می گوید:

این روایت صحیح است. وی هم چنین روایت ذیل را هم صحیح می داند که: «ان الرب یرضی لرضا فاطمه و یغضب لغضب فاطمه؛ همانا خداوند متعال به رضایت فاطمه راضی می شود و از خشمگین کردن او به غضب می آید.» صحیحی که ذهبی آن را صحیح بداند و یا بخاری به صحت اش اعتراف کند، به همه «اهل سنت حجت است.

پس روایت بی هیچ تردیدی در حد تواتر اجماعی و مقطوع است.

محتوای روایت

اشاره

مدلول و محتوای این روایت چیست؟ آن روایت که «فاطمه بضعه منی من اغضبها فقد اغضبنی مقدمه است برای روایت دوم که می فرماید «ان الرب یرضی لرضا فاطمه و یغضب لغضب فاطمه .

رضا و غضب چیست؟ از کجا پیدا می شود و به کجا می رسد؟ در زندگی نباتی انسان، دو قوه است: یکی قوه جذب ملائمات و دیگری قوه دفع مناصرات، قوام موجود زنده به این است. این دو قوه در زندگی حیوانی از صورت جذب و دفع درمی آید و به صورت رضا وغضب می شود، این رضا و غضب در محدوده حیوانی از طبع، مدد می گیرد اما در حیات انسانی از عقل و اندیشه ناشی می شود، به عبارت دیگر رضا و غضب انسان از عقل سرچشمه می گیرد.

مقام عقل

مقام عقل، یک مرتبه و جایگاه از رشد آدمی است، در این مرتبه، کردارها و موضع گیری های انسان از حالت جذب و دفع حیوانی و طبعی، بیرون می آید و به محک عقل و اندیشه می خورد. رسیدن به مرحله «آدمیت آن جاست که همه کارهای انسان از جمله رضا و غضب او از عقل سرچشمه بگیرد. در تمام عمر اگر یک بار رضای انسان از عقل سرچشمه بگیرد همان یک بار آدم است، بار دوم باز حیوان است.

عاقل شدن به این حد که رسید اگر همیشه نه فقط یک بار و دو بار رضا و غضب او هر دو از عقل مایه بگیرد او انسانی عقلانی است، زیرا که «یرضی لرضا العقل و یغضب لغضب العقل .

مقام عصمت خاتمی

فوق مرتبه عقل، مقامی است که اراده انسان در اراده خدا فانی می شود، در این صورت، غضب و رضایت او از رضایت و

غضب خداست:

«یرضی لرضا الرب، یغضب لغضب الرب انسانی که به این مقام رسیده همه چیزش از حضرت حق است، اگر زندگی و حیات و زن و فرزندانش را از او بگیرند، غضب اش از خدا است و اگر همه آن ها را نیز به وی بازگردانند، رضایت او به رضایت خدا است.

این همان مقام «عصمت خاتمی است؛ یعنی عصمت آن موجود کاملی که در عالم وجود نظیرش نیست یعنی کسی که حب و بغض در حب و بغض خدا محو شده است؛ یعنی دوستی و دشمنی اش، مطابق دوستی و دشمنی خدا است، این چنین انسانی به هوا و هوس نطق نمی کند و سخنی جز آن چه که حق می گوید بر زبان نمی راند: «و ما

ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى . از اين مرحله تعبير مى شود به «عصمت خاتمى ، كه غير ازعصمت ابراهيمى و عصمت يونسى است. عصمت يونسى، هر چند عصمت است اما عصمتى است كه «وذاالنون اذ ذهب مغاضبا» دارد و نيز بايد بگويد: «لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين . يوسف، داراى عصمت است اما «لولا ان راى برهان ربه آن برهان رب، عصمت است. يا باز هم مى گويد: «اذكرنى عند ربك تا بعد بگويند در زندان درنگ كن. ختمى شدن براى حب و بغض خدا منحصر به خاتم است، وقتى به اين حد و مقام رسيد مى توانيم بگوييم: «يرضى لرضا الرب، يغضب لغضب الرب .

مقام صديقه كبرى

گاهى گفته مى شود: «يرضى لرضا الرب، يغضب لغضب الرب لام از طرف مى آيد تاثير مى كند در رضا و غضب و مى شود آن عصمت كبرى، اما گاهى در افق اعلا گام مى گذارد و لام از اين طرف مى آيد كه: «ان الرب يرضى لرضا فاطمه ويغضب لغضب فاطمه آن نكته سخن فاطمه شناس جهان، حضرت امام جعفر صادق عليه السلام معلوم مى شود كه فرمود: «انما سميت فاطمه فاطمه لان الناس فطموا عن معرفتها؛ فاطمه از آن رو فاطمه ناميده شد كه مردم از شناخت معرفت او عاجز و جدا شده اند.»

نتيجه

پس هر كس فاطمه را غضبناك كند، غضب خدا بر او نازل مى شود و به هلاكت مى افتد چون: «ومن يحلل عليه غضبى فقد هوى؛ هر كس خشم من بر او فرود آيد قطعا در هلاكت افتاده است . (سوره طه، آيه ٨١) بخارى، بزرگ ترين فقيه و محدث اهل سنت در «صحيح خود مى گويد: در زمان حيات فاطمه (س) برخى وى را به غضب آوردند و آن بانو در طول شش ماهى كه بعد از رحلت حضرت رسول (ص) زنده بود با آن افراد، از فرط خشم، سخن نگفت. از همين رو بود كه به على عليه السلام وصيت كرد كه مرا شبانه دفن كن. ما كه مسلمان ايم و دائما رحمت حضرت حق را مى طلبيم و از خشم وغضب او ترسناكيم و در نمازهاى هر روز خود از خدا مى خواهيم كه ما را به صراط مستقيم و به راه نعمت داده شدگان هدايت كند و از راهى كه غضب شدگان در آن فروغلتيدند باز دارد، بايد مواظب باشيم كه فاطمه سلام الله عليها و اهل بيت پيامبر

(ص) را نرنجانیم و به راه غضب شدگان، گام برنداریم.

مقام صدیقه کبری در روز مباهله

فخر رازی در تفسیر خود به نام «التفسیرالکبیر» و امام المفسرین زمخشری در «کشاف و قاضی بیضاوی، که همگی از مفسران بزرگ اهل سنت هستند، در ذیل آیه «مباهله نکته های قابل توجه ای آورده اند، هم چنین پیشوایان حدیثی اهل سنت، همانند مسلم، ترمذی، ابن منذر، حاکم نیشابوری و جلال الدین سیوطی، به قضیه «مباهله به طور جدی پرداخته اند.

بدین صورت که همگی از محدث و مفسر اتفاق نظر کرده اند بر این که وقتی پیغمبر در مباهله با نصارای نجران بیرون آمد، عبای سیاهی بر اندام آن حضرت بود، حسین (ع) را در بغل گرفته بود، سیدالشهداء در آن زمان در سنی بود که راه می رفت ولی پیامبر (ص) او را در آغوش گرفته بود و دست حسن (ع) در دستش، حضرت (ص) در جلو حرکت می کردند. پشت سر او فاطمه زهرا و پشت سر فاطمه علی بن ابی طالب.

حق این بود که فخر رازی، زمخشری، قاضی بیضاوی، حاکم نیشابوری و جلال الدین سیوطی در تمام خصوصیات قضیه نظر می دادند، چون ارزش یک محدث و فقیه، فقط به روایت نیست، بلکه به درایت هم هست. اساس در دین بر تفقه است، زیرا بالاترین کمال ها تفقه در دین است:

«الکمال کل الکمال التفقه فی الدین حقیقت تفقه هم این است که در تمام افعال و اقوال و خصوصیات دقت شود و سپس نتیجه گیری صورت پذیرد. این همان پیغمبری است که «و ما ینطق عن الهوی .

این همان کس است که «و ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا»، این همان

کس است که سنت او تنها قول او نیست بلکه فعل و تقریر و تمام کردارها و حرکات اش سنت و قابل پیروی است.

همه کارها و احوال او مرتبط است به مقام «فدنی فتدلی فکان قوب قوسین او ادنی .

این خلاصه عالم و پیغمبر خاتم و جوهر وجود و فرد اول عالم کون هر نگاه و یا کردارش دنیایی از حکمت و معارف است.

حرکت آن حضرت (ص) در روز مباهله، معنای عمیقی دارد: خود حضرت در جلو، فاطمه در وسط و علی (ع) پشت سر. معنای این عمل آن است که فاطمه برزخ بین نبوت کبری و ولایت عظما است، معنای این عمل آن است که فاطمه، قطب و مرکزی است بین مقام وحی اعظم و مقام تبلیغ وحی و مقام تفسیر وحی. در پیش روی فاطمه تبلیغ وحی است پشت سر او تفسیر وحی است. رئیس اسقف های نصارا وقتی که این وضع را دید، گفت:

چهره هایی رو به ما می آورند که اگر بخواهند کوه را از ریشه می کنند، و اگر دست به دعا بردارند، از تمام نصارا، یک نفر بر روی زمین باقی نخواهد ماند، پس به هیچ قیمت اینان نباید دست به دعا بردارند.

ای کاش که فهم اسقف نصرانی با نقل فخر رازی توام می شد و مصیبت این است که روایت از فخر رازی است ولی درایت از اسقف نصرانی. معنای این جمله این است که عمل من انعکاس وحی است و وحی این چنین است: «فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابناءکم و نسائنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم

نبتهل؛ پس هر که در این باره، پس از دانشی که تو را حاصل آمده با تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم، سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

نکته قابل توجه در این قضیه آن است که پیامبر (ص) به علی (ع) و فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) فرمود: «اذا دعوت فامنوا؛ هر گاه که من دعا کردم شما آمین بگویید». معنای این جمله آن است که دعای من (پیامبر) مقتضی است اما شرط فعلیت آن، نفس فاطمه و اهل بیت (ع) است. باید آمین آن ها به دعای من ضمیمه بشود. پس وحی و سنت چنین است که دعای اهل بیت شرط است و مقتضی بی شرط محال است تاثیر کند. اگر دست پیغمبر (ص) بالا می رود باید چهار دست دیگر همراه آن به طرف آسمان بالا برود.

زمخشری سپس می گوید: این قضیه دلیل محکم و استواری است بر فضل اصحاب کساء و برهانی است بر نبوت پیامبر (ص).

مقام فاطمه در روز قیامت

ابن حجر در «لسان و حافظ ذهبی در «میزان ، که هر دو از بزرگان نقل و نقد حدیث اهل سنت هستند، نقل کرده اند که «نخستین کسی که وارد بهشت می شود، فاطمه (س) دختر محمد (ص) است.» فرق بین دنیا و آخرت این است که دنیا عالم غلبه ملک بر ملکوت و بطون بر ظهور است. بر همین اساس درنشئه دنیا سیرت ها تابع صورت ها است و صور حاکم بر سیر است. سیر، منوی است، نیت است: «لکل العلم ما نوی .

ممکن است کسی در

باطن گرگ باشد اما در صورت انسان است و از این نظر با انسان کامل فرق ندارد، ریشه اش همان است که: «فسبحان الذی بیده ملکوت کل شی ء» و این نشاه که نشاه ملک است، ملکوت مقهور است ولکن در آخرت منقلب می شود «و برزوالله الواحد القهار؛ مردم در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند.» و همه چیز ظاهر خواهد شد. در این آیه شریفه، کلمه «وبرزوا» نکته لطیفی در آن نهفته است. در جای دیگر می فرماید: «و یحشرون علی وجوههم؛ محشور می شوند مردم به یکی از این وجوه:»

«وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره؛ در روز قیامت، چهره هایی شاداب اند و به سوی پروردگار خود می نگرند.» آری، اینان نه رو به زمین یا جنت و فردوس و یا... بلکه به روی حضرت حق، می نگرند.

آن کس هم که گفت: «ما عبدتک خوفا من عقابک و لا طمعا فی ثوابک بل وجدتک اهلا للعباده فعبدتک این باطن هم در آن عالم وقتی حشر بشود می شود «وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره ، «ذلک الیوم الحق ، «الملک یومئذ الحق . آن روز، ملک فقط حق است و یوم، یوم حق است. وقتی این شد، اولیت دخول در بهشت برای چه کسی است؟ برای شخص اول در وجود است و او باید برترین شخص در انسانیت باشد. از طرف دیگر، از نظر عقلی و نقلی ممکن نیست کسی جلوتر از حضرت ختمی مرتبت (ص) وارد بهشت بشود، چون آن حضرت، از نظر صورت، سیرت، عمل و رفتار، برترین انسان روی زمین است. پس چرا در این روایت آمده است که حضرت صدیقه (س) اولین کسی است که وارد بهشت می شود؟ در

این جا بایـد گفت که بین عقـل و نقـل تناقض نیست و عقلا هم همان طور است که اول کسـی که وارد می شود فاطمه است، زیرا فاطمه، عین پیغمبر و با او متحد است. ورود فاطمه یعنی ورود پیغمبر و غیر از این نمی شود.

در ایـن روایـت راز عجیـبی نهفته است که مـا این راز را به کمـک روایت هـایی که در کتـاب هـای حـدیثی عـامه آمـده، می گشاییم:

عـایشه می گفت: هر وقت آرزو داشـتم راه رفتن پیغمبر را ببینم به فـاطمه نگـاه می کردم. راه رفتن، نگـاه کردن، منطق، چهره، حرف زدن و خلاصه، وجود او عین وجود پیامبر (ص) بود.

پیامبر (ص) ابتـدا فرمود: «بضـعه منی؛ فاطمه پاره تن من است . وقتی پاره تن اوست، پیغمبر باید اول شـخص باشد بعد بالاتر از آن را گفته و فرموده است: «روحی التی بین جنبی .

پس اولین کسـی که وارد بهشت می شود، شـخص اول عالم وجود است ولکن خـدا می خواهد نشان بدهد که این دختری که آن چنان آن پـدر شد که اگر من سوره طه نازل کردم و گفتم «طه ما انزلنا علیك القرآن لتشـقی این همان دختری است که با آن پـدر در مسابقه با معنا به آن جا رسـید که: «قامت فی محرابها حتی تورمت قدماها» اگر این شد، پس این شـخص، شـخص پیغمبر است.

حالا کیفیت چه بود؟ حال، کیفیت ورود آن حضرت به صحرای محشر چگونه است؟ شیخ صدوق به سه سند در «عیون از امام علی بن موسی الرضا نقل می کند ولی ما در این جا از کتاب های شیعه استمداد نمی کنیم. فقط از عقل و کتاب و سنت قطعی

در نزد عامه و خاصه استنتاج می کنیم.

کیفیت ورود آن حضرت (س) در محشر این چنین است که: «علیها حله الکرامه عجنت بماء الحیوان . حله کرامت چیست؟

معجون شدن به آب حیوان یعنی چه؟

این ها همه بحث های مفصلی دارد که در جای دیگر باید به آن ها پرداخت، اما چهار عبارت در ادامه این روایت، که در متون عامه هم آمده موجود است:

۱ علی احسن صوره

۲ و اکمل هیبه

۳ و اتم کرامه

۴ و اوفر.

نظام عدل وجود، که ظهورش در قیامت کبرا است، محال است «احسن صور» را به بشری بدهد مگر این که او بهترین سیرت ها را پیش خدا بیاورد؛ یعنی اگر در کمالات علمی، اخلاقی و عبادی، نیکوتر از دیگران نباشد محال است به احسن صور بیاید:

«فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره .

علاقه پیامبر به فاطمه

عایشه می گوید: پیامبر (ص) هنگامی که از سفر می آمد، اولین کسی را که به دیدنش می رفت فاطمه بود، هم چنین آخرین کسی که وقت رفتن به سفر از او جدا می شد فاطمه بود. یعنی داناترین و دقیق ترین انبیای خدا در جدایی جسمانی کم ترین فواصل را بین خود و فاطمه رعایت می کرد. وقتی هم به خانه فاطمه وارد می شد کیفیت ورود او این گونه بود که:

نخست دست فاطمه را می بوسید. کسی که جبرئیل خاک پایش را می بوسید خود دست فاطمه را می بوسید، این فقط مهر پدری نبود بلکه مطلبی فوق آن بود. بعد سینه، سپس عرض پیشانی و تمام پیشانی را می بوسید و می فرمود: من بوی بهشت را از تو استشمام می کنم، تو را که می بوسم، جنت قرب را می بویم نه این که دخترم را می بوسم

ومی بویم. محدثان بزرگ اهل سنت نقل کرده اند که: روزی پیامبر (ص) وارد خانه فاطمه (س) شد دید که دخترش لباس ساده و وصله خورده ای بر تن دارد و مشغول دست آس است، تا صبح هم نخوابیده و مشغول عبادت بوده است، وقتی پیامبر (ص) این وضع را دید قلب مبارک اش شکست و اشک بر گونه هایش لغزید، به دخترش فرمود: «اصبری علی مراره الدنیا».

آن چه سیوطی و ابن نجار و بقیه نقل کرده اند چه جریانی گذشت ما نمی فهمیم.

همین قدر می فهمیم که پیغمبر حرکت کرد و رفت، جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد:

«و لسوف یعطیک ربک فترضی .

مقام حضرت فاطمه در شب شهادت اش

در شب دفن فاطمه (س) گوشه ای از شخصیت آن بانوی بزرگوار به عالم بشریت شناسانده شد. علی (ع) بزرگ مردی بود که جنگ ها و شمشیرها و ناملایمات زندگی در او هراسی به وجود نیاورد اما غصه مرگ فاطمه، کمر او را شکست، چون او می دانست که فاطمه که بود. دقت در تعبیرات حضرت (ع) نکته های عمیقی به ما می آموزد، ایشان بر جنازه فاطمه زهرا (س) نماز خواند، سپس دست ها را به سوی آسمان بلند کرد و فریاد زد که: «هذه بنت نبیک فاطمه اخرجتها من الظلمات الی النور؛ پروردگارا، این فاطمه، دختر پیامبر تو است که او را از ظلمات به سوی نور بردی.» گفته اند که: تا علی (ع) این سخن را گفت زمین به اندازه یک میل در یک میل، نور باران شد و بدن فاطمه را در بر گرفت.

در واقع، خداوند سبحان، خواست به علی (ع) پاسخ دهد که فاطمه (س) به همان نوری رسیده که تو از آن سخن می گویی.

می دانیم که «انا

لله و انـا الیه راجعـون برای همه است، امـا برای فـاطمه الی النـور» است، و این که علی (ع) به خـدا عرض کرد: تـو فـاطمه را از ظلمات دنیا به سوی نور، سوق دادی منظورش آن نوری است که در آیه شریفه «الله نور السموات والارض آمده است.

مظلومیت علی در شهادت فاطمه

در میـان مومنـان و پیشوایان دینی فقط یک نفر«اصبر الصابرین لقب گرفته است و آن، امیرمومنان علی بن ابی طالب (ع) است. در زیـارت او یکی از عنـاوین این است: «السـلام علیـک یا اصبر الصابرین چرا ایشان اصبر الصابرین است؟ پاسـخ این سوال از کلاـم خود حضـرت روشن می شود که فرمود: «صبر کردم در حالی که خار در چشم و اسـتخوان در گلو داشـتم . آیا در عالم کسـی دیده شده که هم خار در چشـمش خلیده باشد و هم استخوان در گلویش گیر کرده باشد و با این دو حال صبر کند، اما همین مرد بزرگ و همین «اصبر الصابرین در هنگام شـهادت فاطمه (س) طاقت اش تاب شـد. شـگفتا، مردی که در مشـکلات سنگین روزگـار و حوادث تلـخ و ناگوار دوران خود و در میـدان های جنگ و جهاد، خم به ابرو نیاورده بود، درشب شـهادت فـاطمه (س) آن چنان بی تاب شـد که خطاب به پیامبر (ص) عرض می کنـد: ای رسول الله من در مرگ دخترت فاطمه، صبرم تمام شد، چرا که باید او را به طرز پنهانی دفن کنم و تنها او را در قبر بگذارم:

«قل یا رسول الله عن صفیتک صبری و رقی عنها تجلدی .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹